5شنبه 22/9/1403-10جمادی الثانیه 1446-12دسامبر 2024-درس 14 تفسیر ترتیبی مدیریتی قرآن کریم- مجازات مکذبان اصلح با بیان و استدلال قبلی

[سوره الأنعام (6): آيات 46 تا 49]

قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصارَكُمْ وَ خَتَمَ عَلى‏ قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآياتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ (46) قُلْ أَ رَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلاَّ الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ (47) وَ ما نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلاَّ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ (48) وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا يَمَسُّهُمُ الْعَذابُ بِما كانُوا يَفْسُقُونَ (49)

بگو: آيا ميدانيد كه اگر خداوند گوش و چشم شما را بگيرد و بر دلهاى شما مهر بزند، جز او خدايى نيست كه آنها را به شما بازگرداند؟ بنگر كه چگونه آيات را بيان مى‏كنيم و آنها روى گردان ميشوند! بگو: آيا ميدانيد كه اگر عذاب خداوند، پنهان يا آشكار به شما روى آورد، جز مردم ستمكار هلاك نخواهند شد؟ ما پيامبران را جز براى بشارت و انذار نفرستاده‏ايم.

كسانى كه ايمان آورند و عمل صالح كنند بر آنها بيمى نيست و محزون نميشوند.

كسانى كه آيات ما را تكذيب كنند، بكيفر نافرمانيهايشان، عذاب ما به ايشان مى‏رسد.

لغت‏

صدوف: منحرف شدن. صدف و صدفه يعنى جانب. همچنين صدف يعنى بناى مرتفع. در حديث است كه‏

«كان (ص) اذا مر بصدف مايل اسرع المشى»

هر گاه از ديوار يا بنايى كه مايل شده بود مى‏گذشت، به سرعت مى‏رفت.

اعراب‏

مَنْ إِلهٌ غَيْرُ اللَّهِ‏: «من» مبتدا «اله» خبر «غَيْرُ اللَّهِ» صفت آن. جمله در محل نصب در محل دو مفعول‏ «أَ رَأَيْتُمْ» كه بوسيله استفهام تعليق شده است.

إِنْ أَخَذَ اللَّهُ ...: جواب شرط محذوف است. اين جمله در محل نصب و حال است.

يَأْتِيكُمْ بِهِ‏: در محل رفع و صفت «اله»

مقصود

بار ديگر در مقام استدلال در برابر كفار بر آمده، مى‏فرمايد:

قُلْ أَ رَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصارَكُمْ وَ خَتَمَ عَلى‏ قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ‏: به اين كافران بگو: اگر خداوند گوش و چشم را از شما بگيرد و كور و كر شويد و بر دلهاى شما مهرى بزند كه قوه عقل و تميز را از كف بدهيد و نتوانيد چيزى بفهميد، آيا خدايى جز خداى يكتا سراغ داريد كه اين نعمتها را- كه در ميان نعمتهاى خدا نظير ندارند و سعادت دينى و دنيوى انسان به آنها بستگى دارد- به شما برگرداند؟

زجاج مى‏گويد: ضمير «به» به معناى فعل برمى‏گردد. يعنى: آيا كسى هست كه آنچه از شما گرفته شده است به شما باز گرداند؟ سپس مى‏گويد: ممكن است اين ضمير، مستقلا به «سمع» برگردد و «ابصار و قلوب» نيز تابع آن باشد.

بعقيده ابن عباس منظور اين است كه: اين خدايان مصنوعى و دروغين قادر نيستند كه به پرستندگان خود گوش و چشم و دل داده، آنها را از نيروى عقل و فهم برخوردار سازند. تنها خداست كه قدرت عطاى اين نعمتها را به انسان دارد و بهمين دليل پرستش شايسته و مخصوص ذات بيهمتاى اوست.

انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآياتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ‏: مقصود از تصريف آيات، بعقيده كلبى بيان آيات و بعقيده بعضى، متوجه ساختن آيات است به بيان سختى‏ها و نعمتها بنحو روشن و كامل كه باعث تنبيه مردم شود. برخى گفته‏اند: منظور اين است كه آيات، طورى عرضه ميشوند كه در آن واحد به چند جهت دلالت كنند، چنان كه معجزات، در آن واحد بر علم و قدرت خداوند و نبوت و راستگويى پيامبر دلالت داشتند.

در هر صورت، مى‏فرمايد: ببين ما آيات را چگونه بيان مى‏كنيم؟! اما اين مردم كافر اعراض مى‏كنند. يعنى در باره آيات تأمل و فكر نميكنند و به آنها كفر مى‏ورزند.

اينكه به پيامبر خود مى‏گويد: ببين، بخاطر اين است كه خداوند اولا اين موضوع را شگفت‏آور ميداند كه نعمتهاى خود را بطور كامل در دسترس آنها قرار داده و با دلايل حكمت آميز، اسباب عبرت آموزى آنها را فراهم كرده است و ثانياً موضوع اعراض و پايدارى آنها را در راه كفر.

يك استدلال ديگر

قُلْ أَ رَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ: آيا ميدانيد كه اگر عذاب خدا پس از اتمام حجت و آمدن پيامبران، پنهان يا آشكار، شب يا روز، بر شما نازل شود، تمام مردم ستمكارى كه به خدا كفر مى‏ورزند و در روى زمين فساد مى‏كنند، هلاك خواهند شد؟

برخى گفته‏اند: آنها درخواست ميكردند كه عذاب خدا نازل شود. در جواب‏آنها فرمود: اين چه درخواستى است كه مى‏كنيد؟! مگر عذاب خدا براى مردم كافر، جز هلاك و بدبختى چه چيز به ارمغان مى‏آورد؟! احيانا اگر مؤمنى يا طفلى هم بدون تقصير در شعله عذاب شما، همچون چوب ترى در حريق جنگل، بسوزد برايش مختل است كه خداوند به او عوض‏هاى بسيارى ميدهد، بطورى كه اين گرفتارى بسان صفر در برابر بى‏نهايت باشد. منظور از عذابى كه در اين آيه، آمده، عذاب دنياست نه عذاب آخرت‏

اكنون به بيان اين مطلب مى‏پردازد كه پيامبران را نفرستاده است كه بتوانند هر گونه خواهشى از خداوند بكنند. آنها بخاطر يك سلسله مصالح عاليه‏اى كه خداوند بهتر مى‏داند، ماموريت يافته‏اند. مى‏فرمايد:

وَ ما نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ‏: ما پيامبران را جز براى بشارت و ترسانيدن مردم نفرستاده‏ايم. در دنباله اين آيه، به بيان پاداش كسانى كه سخن فرستادگان خدا را مى‏شنوند و كيفر كسانى كه آنها را مخالفت مى‏كنند، پرداخته مى‏فرمايد:

فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ‏: آنان كه ايمان آورند و پيامبران را تصديق كنند و كار شايسته انجام دهند، در عالم آخرت، مثل اهل دوزخ دچار بيم و اندوه نميشوند و غم گذشته نمى‏خورند.

وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا يَمَسُّهُمُ الْعَذابُ بِما كانُوا يَفْسُقُونَ‏: و آنهايى كه دلايل ما و محمد (ص) و معجزاتش را تكذيب مى‏كنند، روز قيامت بكيفر بى‏ايمانى و رفتار زشت خويش مبتلا خواهند شد. [[1]](#footnote-1)

تفسیر مدیریتی

مجازات مکذبان اصلح با بیان و استدلال قبلی

 گاه لازم است که قدرت و توانایی اصلح برای مکذبین او و اسناد شایستگی او و منصوبان او ، مورد استدلال قرار گیرد واین استدلال باید توسط جانشین اصلح ارائه شود به نمایندگی و سخنگویی از سوی اصلح وبه امر اصلح و به عنوان یک ماموریت از سوی او قُلْ

 استدلال اول : ا و میتواند و آیا نمیتواند به صورت سوال از وجدان های مکذبین ارَأَيْتُمْ به عنوان مواخذه مکذبین و خطاب به آنها تمامی ابزار شناختی را از آنان بگیرد و محرومشان کند از این ابزار حساس یعنی گوش و چشم أَ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصارَكُمْ و دل آنها را یعنی از کار بیندازد محرومتان کند از هر نوع اطلاعات جدید و لازم و در نتیجه قدرت تحلیل را هم از شما بگیرد وَ خَتَمَ عَلى‏ قُلُوبِكُمْ زیرا قلب اطلاعات دریافتی سمع وبصر را به بوته تحلیل و فهم و فکر قرار میدهد ختم شود یعنی وقتی اطلاعات چشم و گوش به او نرسد تعطیل میشود و قوه ادراک آن از کار می افتد مثل سیستمی نرم افزاری که هک شود آری خدای اصلح و هر اصلح مافوق میتواند محرومیت شناختی برای افراد ایجاد کند اگر کرد فقط خودش دوباره میتواند که این فرآیند معرفتی معطله را احیا کند آیا غیر از او کسی این توانایی را دارد مَنْ إِلهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ . معلوم میشود که یکی از شاخص های اصلح چنین تواناییهایی فوق العده است که البته فقط در خداوند موجود است و خلیفه هی معصوم او که قدرت چنین تصرفاتی دارند و دیگر مدیران شایسته هم در حد خود میتوانند چنین محرومیت هایی سیستمی را ایجاد کنند . حال خداوند به سخنگوی شایسته خود میگوید که دقت کن که چگونه تبیین و تصریف میکنیم چنین استدلالهای قاطعی را دلگرم باش قدر ت استدلال اسکات و اقناع کننده مارا مشاهده کن مخصوصا که خودت ماموریت و توفیق بیان این استدلال را یافتی انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآياتِ ولی متاسفانه مکذبین اصلح یعنی کفار باز هم رویگردان میشوند ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ (46)

 استدلال دوم : اگر عذاب خدا و مجازات او به یک باره بیاید چه مخفی چه علنی و با اطلاع دیگران قُلْ أَ رَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتاكُمْ عَذابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً آیا این عذاب جز هلاکت و پایان حیات سیاسی اجتماعی سازمانی برای ستمگران که غیر اصلح را به جای اصلح تایید و حمایت میکنند دارد ؟ هَلْ يُهْلَكُ إِلاَّ الْقَوْمُ الظَّالِمُونَ (47) یعنی مکذبین اصلح ، ظالم هستند و استحقاق هلاکت دارند . و اما ماموران و رسولان ما در این میان وظیفه هشدار و تبیین دارند بشارت دهنده به متنبهان و مصدقان اصلح و بیم دهنده به مکذبان یعنی جهاد تبیین را بر عهده دارند وَ ما نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلاَّ مُبَشِّرِينَ وَ مُنْذِرِينَ حال اگر این انذار و تبشیر و تبیین اثری داشت و عده ای اصلاح شد رفتارشان و ایمان به اصلح آوردند به آرامش میرسند و بدون نگرانی نسبت به گذشته و حال و آینده میتوانند به خدمت ادامه دهند گذشته آنان نادیده گرفته میشود فَمَنْ آمَنَ وَ أَصْلَحَ فَلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ (48) و مکذبان اصلح هم که به آیات ما به استدلالهای روشن ما بی توجهی میکنند به خاطر فسقشان و نافرمانی آنها، عذابشان مستمر ادامه خواهد یافت وَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآياتِنا يَمَسُّهُمُ الْعَذابُ بِما كانُوا يَفْسُقُونَ (49)

 نتیجه : باید استدلالهای اثبات کننده تواناییهای مواخذه ای و مجازاتی سخت اصلح توسط منصوبان اصلح برای مکذبان وظالمان و جابجا کنندگان حق تبیین شود اتمام حجت شود اگر تاثیر اصلاحی در رفتارشان داشت که داشت والا تبیین کنندگان به وظیفه خود عمل کرده اند و ماجور زیرا در دفاع از اصلح ساکت ننشسته و سنگ تمام گذاشته اند و اصلاح ناپذیران هم دچار عذاب میشوند با بیان قبلی ، عقاب بلا بیان نمیشوند.

 خلاصه اینکه عقاب مکذبان باید با بیان و تبیین باشد چه عقاب غیر مترقیه چه مترقبه چه علنی و در ملاء عموم سازمانیان و چه مخفی . در مجموع مکذبین را نباید بی مجازات گذاشت .(والله العالم)

برای مطالعه

 [سوره الأنعام (6): آيات 50 تا 51]

قُلْ لا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزائِنُ اللَّهِ وَ لا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَ لا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ إِنْ أَتَّبِعُ إِلاَّ ما يُوحى‏ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمى‏ وَ الْبَصِيرُ أَ فَلا تَتَفَكَّرُونَ (50) وَ أَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلى‏ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَ لا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ (51)

بگو: به شما نمى‏گويم كه خزانه‏هاى خدا پيش من است. من غيب نميدانم.

به شما نمى‏گويم كه فرشته‏ام. من جز وحى از هيچ چيز پيروى نميكنم. بگو: آيا كور و بينا برابرند؟ آيا نمى‏انديشيد؟

كسانى را كه از روز حشر بيم دارند، و آنها را جز خدا دوست و شفاعت كننده‏اى نيست، بوسيله قرآن بترسان. شايد تقوى پيشه كنند.

1. طبرسى، فضل بن حسن، ترجمه تفسير مجمع البيان، 27جلد، فراهانى - ايران - تهران، چاپ: 1. [↑](#footnote-ref-1)